

نشریه علمی فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده
سال چهاردهم، شماره ۵۰، بهار ۱۳۹۹: ۲۶ - ۷

تحلیل جامعه‌شناختی نگرش والدین نسبت به ترجیح جنسی ترجیح‌مند بر اساس نظریه GT

بهزاد هاشمیان^۲
سهیلا نیک بخش^۴

فهیمه کلباسی^۱
ایمان احمدی سرابی^۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۹/۱۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۲/۱۳

چکیده

یکی از مشکلات فرهنگی کشورهای جهان سوم در حوزه مسائل جامعه و جمعیت‌شناختی، موضوع نگرش جنسی ترجیح‌مند است. منظور از نگرشهای جنسی ترجیحی، قائل بودن به برتری ذاتی، حقوقی یا نهادی یک جنس نسبت به جنس دیگر است. در حال حاضر با تغییرات اجتماعی و اقتصادی جامعه و بویژه شهرهای بزرگ، شاهد کم‌رنگ شدن و حتی بیرنگ شدن این سنتها هستیم. این مطالعه با روش تحقیق کیفی و راهبرد گراند تئوری (GT) انجام شده است. داده‌های این تحقیق از طریق مصاحبه‌های عمیق جمع‌آوری شده است. جامعه مطالعاتی این پژوهش ۲۱ نفر از زنان و مردان شهرستان محمودآباد استان مازندران است. حجم نمونه پس از این تعداد مصاحبه به اشباع نظری رسیده است. نتایج شناسه‌گذاری چندگانه به شکل‌گیری الگوی نظری تحقیق با محوریت نگرش جنسی ترجیح‌مند منجر شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در میان خانواده‌های مورد بررسی، نگرش آنها به برتری جنسی فرزندان خود بیشتر به سمت جنس پسر است تا دختر؛ هرچند این نگرش در حال کم‌رنگ شدن است. براساس یافته‌های تحقیق، مهمترین دلایل و ریشه‌های این نگرش در میان خانواده‌های مورد بررسی در عوامل مختلفی چون عوامل تاریخی و فرهنگی، عوامل اجتماعی، عوامل روانشناختی و عوامل اقتصادی - حقوقی است. هم‌چنین یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اصلی‌ترین و محوریت‌ترین مقوله در پژوهش، اقتصادی است.

کلیدواژه‌ها: نگرش والدین در فرزندآوری، برتری فرزند پسر، ترجیح جنسی بر اساس نظریه GT فرزندآوری در جامعه ایران

fah_kalbasiifahani@yahoo.com

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور استان تهران

behzad.hashemi68

۲. نویسنده مسئول: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد و مدرس گروه روانشناسی دانشگاه لرستان، مرکز آموزش عالی شهرستان نورآباد دلفان

alahi@um.ac.ir Iman.ahmadi68

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه دانش البرز

soheila.nikbakhsh86@gmail.com

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات جوانان دانشگاه مازندران

مقدمه

خانواده یکی از مهمترین نهادهای اولیه و حیاتی بشر است که تثبیت و تضمین سلامت فرد و بقای جامعه در این کانون شکل می‌گیرد (رازقی و اسلامی، ۱۳۹۴: ۵۴). روابط زن و شوهری و رضایتبخش، ویژگیهای مثبت بسیاری نظیر سلامت روانی، سلامت جسمانی، و رشد را برای اعضای خانواده فراهم می‌آورد (میخایلت‌سیانوفت، ۲۰۱۴). باروری به‌عنوان یکی از اجزای اصلی رشد جمعیت، موضوعی است که همواره مورد توجه قرار گرفته و تحقیقات گسترده و دامنه‌داری در زمینه شناخت عوامل مؤثر بر آن در ایران و خارج از ایران صورت گرفته است (ادیبی‌سده و همکاران، ۱۳۹۰). یکی از مشکلات فرهنگی کشورهای جهان سوم در حوزه مسائل جامعه و جمعیت‌شناختی، نگرش جنسی ترجیح‌مند است که به‌لحاظ تحقیقی به‌آن توجهی نشده است. منظور از نگرشهای جنسی ترجیحی، قائل بودن به برتری ذاتی، حقوقی یا نهادی یک جنس نسبت به جنس دیگر است. ایستارهایی از این دست به‌آسانی می‌تواند جنبه‌های مختلف رفتارهای فردی و اجتماعی افراد جامعه را تحت تأثیر قرار دهد (منصوریان و خوشنویس، ۱۳۸۵).

طبق شواهد و مطالعات، ترجیحات جنسی، هم در بعد نگرش و هم در بعد علمی و البته در گونه‌های مختلف در بسیاری از مناطق جهان وجود داشته است. این ترجیحات، که معمولاً به‌صورت ترجیح فرزند پسر بوده در طیفی از کشورها از شرق آسیا، جنوب آسیا، غرب آسیا و شمال آفریقا وجود داشته است (چی، ۲۰۱۳: ۵۲). تعداد فرزندان خانواده و ترکیب جنسی آنها، موضوعی است که از گذشته مورد توجه بوده است و معمولاً زوجین در این زمینه آرمانهای برای خود متصور بوده و هستند. طی چند دهه اخیر، این موضوع بعد علمی نیز یافته و تحت عناوین مختلفی از جمله آرمانهای فرزندآوری^۱، ترجیح جنسی^۲، ترجیح جنسیتی^۳، ترکیب مطلوب فرزندان^۴ مطرح شده است (مدیری و رحیمی، ۱۳۹۵: ۱۰)؛ از جمله مهمترین دلایل چنین ترجیحاتی، می‌توان به توانمندیهای فیزیکی مردان نسبت به زنان و تنوع نقشها و مشاغل اجتماعی اختصاص یافته به مردان، نقش کارآمدی پسران در سرپرستی والدین در دوره‌های کهولت و حفظ نام و القاب خانوادگی به‌آنان اشاره کرد (زیک و ایکسیانگ، ۱۹۹۴).

مطالعات نشان می‌دهد که، مهمترین دلایل ترجیح جنسی فرزند پسر در خانواده‌های ایرانی،

1. Ideals of childbearing
2. Sex preference
3. Gender preferences
4. Ideal combination of children

حفظ نام خانوادگی، نان‌آور بودن و اصطلاحاً عصای دست پدر و مادر در دوران پیری بوده که فرزند پسر را دارای برتری کرده است. در حال حاضر با تغییرات اجتماعی و اقتصادی در جامعه و بویژه شهرهای بزرگ، شاهد کم‌رنگ شدن و حتی بیرنگ شدن این سنتها هستیم. پسر، دیگر شغل پدر را لزوماً ادامه نمی‌دهد و به لحاظ شغلی و اقتصادی تا حدود زیادی از خانواده مستقل شده است. مسافتهای زیاد میان محل زندگی والدین و فرزندان و گرفتاریهای روزمره، باعث دوری و کم شدن ارتباطات میان اعضای خانواده پدر و پسر، و همه اینها باعث شده است بیشتر والدین ترجیح بدهند از هر دو جنس فرزندی داشته باشند؛ اما به هر حال همچنان شاهد وجود سنتهایی از این دست در میان برخی خانواده‌ها، بویژه در روستاها هستیم. هنوز در روستاها بعضاً امکان کشاورزی و ادامه شغل پدر هست و یا برای پسران این امکان هست که به شهر مهاجرت کنند و شغلی پیدا کنند و با کسب درآمد، پولی برای خانواده خود در روستا بفرستند در حالی که این امکان برای دختران وجود ندارد. دین و قوانین آن در فرهنگ ما ایران بخش جدانشدنی از خانواده را تشکیل می‌دهد. سنتها و آداب و رسوم خاص فرهنگ ایرانی اسلامی موجب نگرش متفاوت در خانواده ایرانی شده است (حاتمی‌ورزنده و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۰).

در واقع می‌توان گفت ترجیح جنسی بویژه به نفع فرزندان پسر در ایران و بسیاری از کشورهای جهان وجود داشته و دارد. اقتصاد وابسته به کشاورزی، شکل خانواده گسترده، کار خانگی، شرکت تمام اعضای خانواده در تولید ثروت و حفظ این ثروت در خانواده، وجود فرزند پسر را از نظر اقتصادی ارزشمند ساخته است. در گذشته جریان ثروت از پایین به بالا بود و برخلاف امروز، که فرزندان برای والدین هزینه‌زا هستند، فرزندان و بویژه فرزند پسر به تولید و ماندگاری ثروت در خانواده کمک می‌کرده‌اند. وجود نظام مردسالار نیز تأییدی بود بر ارزش اجتماعی فرزندان پسر. همه این عوامل باعث شکل‌گیری این ترجیح جنسی بوده است و ضرورت بررسی این مسئله مهم را در فرهنگ غنی ایرانی نشان می‌دهد. در واقع جامعه انسانی شامل مردان و زنانی است که با معاضدت و یاری یکدیگر زندگی خود را بنا نهاده‌اند؛ اما آنچه امروز در جامعه مطرح است این است که والدین چه نوع رابطه‌ای را و براساس چه مرزهایی از رفتار با جنس مخالف برای فرزندان خود تعریف می‌کنند (وثوقی و دائمی، ۱۳۸۴: ۱۶۲). در این پژوهش با استفاده از روش کیفی نظریه مبنایی (GT) و از طریق مصاحبه‌های عمیق با افراد مختلف به تحلیل جامعه‌شناختی نگرش والدین نسبت به ترجیح جنسی ترجیح‌مند، و نیز به این مسئله پرداخته می‌شود که آیا با وجود تغییر شکل در خانواده همچنان ترجیح جنسی وجود دارد یا خیر.

بسیاری از پژوهشگران در تحقیقات خود (آرنولد^۱، پارک و چو^۲، ۱۹۹۵، مایزنر و جولی^۳، ۱۹۹۳، اسنش^۴، ۱۹۹۶؛ هنک و کلر^۵، ۲۰۰۰؛ فیوز^۶، ۲۰۱۰؛ فیوز، ۲۰۱۳) به بررسی نگرش جنسیتی و ترجیحات جنسی در میان گروه‌های مختلف مردم پرداخته‌اند. بیشتر نتایج یافته‌های این تحقیقات نشان می‌دهد که ترجیحات جنسی، مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه و خانواده قرار دارد. در کشورهایی همچون هند برتری فرزند پسر به این دلیل است که مرگ‌ومیر فرزندان دختر، بیشتر، و دسترسی آنها به مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی کمتر است (لین و آدسرا^۷، ۲۰۱۳). هم‌چنین در کشور چین برتری فرزند پسر به دلیل حمایت‌های دوران سالمندی والدین، ادامه نسل خانواده و اجرا شدن نقش‌های مردان در خانواده است (کالان و کی^۸، ۱۹۸۱: ۱). از طرفی هنگ و کلر اشاره می‌کنند که در کشورهای اروپایی تمایلی قوی در داشتن یک فرزند پسر و یک فرزند دختر وجود دارد و این فرضیه برتری جنسی، ترکیبی از هر دو جنس را تقویت می‌کند. هم‌چنین مطالعات فیوز مؤید این است که طی دهه‌های اخیر برخلاف دیگر کشورهای شرق آسیا در ژاپن برتری فرزند پسر بتدریج در حال تغییر به سمت فرزند دختر است. در ایران نیز مطالعاتی در زمینه نگرش جنسیتی و ترجیحات جنسی انجام شده است. البته در بیشتر این مطالعات (شوازی و دیگران، ۱۳۸۱؛ منصوریان و خوشنویس، ۱۳۳۸۵؛ اکابران و دیگران، ۱۳۸۷، نقدی و زارع، ۱۳۹۲) به ترجیحات جنسی نه به‌طور اختصاصی بلکه به عنوان متغیر تأثیرگذار بر رفتار باروری مورد توجه قرار گرفته و تنها در تعدادی از این تحقیقات (افراخته، ۱۳۷۵؛ زارع و عزیزیان، ۱۳۹۰؛ محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۳؛ فروتن و دیگران، ۱۳۹۵) به بررسی نگرش و ترجیحات جنسی پرداخته شده است.

روش پژوهش

روش این پژوهش از نوع روش‌های تحقیق کیفی مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی بر ساختگرایی اجتماعی و بر راهبرد روش نظریه‌مبنایی^۹ یا گراند نظری (GT) مبتنی است. گلنزر و اشتروس

1. Arnold
2. Park & Cho
3. Mizanur & Julie
4. Stash
5. Hank & Kohler
6. Fuse
7. Lin and Adserà
8. Callan and Kee
9. Grounded theory method

معتقدند نظریه مبنایی روشی استقرایی است که از داده‌هایی که به‌گونه‌ای منظم از پژوهش اجتماعی به‌دست آمده است، نظریه تولید می‌کند (عنایت و مختاری، ۱۳۸۸). منظور از نظریه مبنایی، نظریه‌ای برگرفته از داده‌هایی است که طی فرایند پژوهش به‌صورت نظام‌مند، گردآوری و تحلیل می‌شود. در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استنتاج می‌شود در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار می‌گیرد و پژوهشگر به‌جای اینکه مطالعه خود را با نظریه از پیش تصور شده‌ای آغاز کند، کار را با حوزه مطالعاتی خاص شروع می‌کند و اجازه می‌دهد که نظریه از دل داده‌ها پدیدار شود (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). سروکار محقق در (GT) نه با آزمون روابط میان متغیرها براساس نظریه‌ای از پیش مفروض، که کشف مقولات و فهم روابط بین آنهاست. از طریق (GT) کوشش می‌شود که نظریه‌ای نظام‌مند و اکتشافی برای توضیح هر پدیده فراهم شود. تحلیل داده‌ها در (GT) طی فرایندی منظم و در عین حال مداوم از مقایسه داده‌ها صورت می‌گیرد. فن اصلی برای تجربه و تحلیل داده‌ها در این روش شناسه‌گذاری است که طی فرایندی سه مرحله‌ای صورت می‌گیرد و عبارت است از: ۱. شناسه‌گذاری باز ۲. شناسه‌گذاری محوری ۳. شناسه‌گذاری انتخابی. این مراحل به‌صورت مکانیکی از هم جدا نیست؛ بلکه صرفاً برای توضیح بیشتر فرایند به‌صورت سه مرحله متمایز توصیف می‌شود. در این فرایند سه مرحله‌ای (ولی غیرخطی) است که به مضمونهای اصلی و اولیه، داده‌ها و عنوانهایی داده می‌شود و سپس از دل آنها مفاهیم و مقولات در می‌آید. «زیر مقولات» و متعلق به هر یک از مقولات استخراج، و از این رهگذر خوشه‌هایی مفهومی تشکیل می‌شود که هر یک به‌مقولاتی تعلق دارد و سرانجام از ارتباط این مقولات است که شالوده‌ای سامان می‌یابد و نظریه‌ای برای توضیح هر پدیده خلق می‌شود (فراستخواه، ۱۳۸۷). در مفهوم‌پردازی این پژوهش از نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. «نمونه‌گیری نظری براساس مفاهیمی صورت می‌گیرد که در خلال تحلیل آشکار می‌شود و با نظریه در حال شکل‌گیری تناسب دارد» (عنایت و مختاری، ۱۳۸۸)، از آنجا که در تحلیل داده‌ها از سه نوع شناسه‌گذاری باز، محوری و انتخابی استفاده می‌شود، نمونه‌گیری در هر سه مرحله انجام گرفته است.

جامعه مورد مطالعه این تحقیق شهرستان محمودآباد است. داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه کیفی عمیق^۱ و باز با ۲۱ نفر از افراد جمعیت شهرستان محمودآباد انجام گرفته است. بنا

به اهداف تحقیق پنج نفر روستایی تحصیلکرده، شش نفر شهری تحصیلکرده، پنج نفر روستایی بیسواد و ۵ نفر شهری بیسواد در این پژوهش مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. هم‌چنین نمونه‌های شهری از شهرستان محمودآباد و نمونه‌های روستایی از سه روستای کلوده، میرعلمده و چهار محل از توابع شهرستان محمودآباد انتخاب شده‌اند که به شیوه نمونه‌گیری نظری^۱ و هدفمند^۲ جمع‌آوری شده است. در مورد تعداد نمونه انتخاب شده باید گفت که پس از ۲۱ مصاحبه، اشباع نظری^۳ حاصل شده که ملاک انتخاب نمونه در روش کیفی است. اطلاعات بیشتر در مورد مصاحبه‌شوندگان این پژوهش در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مشخصات دموگرافیک مصاحبه‌شوندگان

ردیف	جنسیت	سن	وضعیت تأهل	وضعیت تحصیل	محل سکونت
۱	مرد	۳۷	متأهل	دیپلم	محمودآباد
۲	زن	۲۹	متأهل	کارشناسی	محمودآباد
۳	مرد	۳۱	متأهل	ارشد	محمودآباد
۴	زن	۳۴	متأهل	کارشناسی	محمودآباد
۵	مرد	۴۶	متأهل	دیپلم	محمودآباد
۶	زن	۲۸	متأهل	کارشناسی	محمودآباد
۷	مرد	۴۸	متأهل	بیسواد	محمودآباد
۸	زن	۵۱	مجرد	بیسواد	محمودآباد
۹	مرد	۵۷	متأهل	بیسواد	محمودآباد
۱۰	زن	۴۶	مجرد	بیسواد	محمودآباد
۱۱	مرد	۳۹	مجرد	بیسواد	محمودآباد
۱۲	زن	۳۳	متأهل	کارشناسی	میرعلمده
۱۳	مرد	۳۷	متأهل	ارشد	میرعلمده
۱۴	زن	۲۸	متأهل	دیپلم	کلوده
۱۵	مرد	۴۴	متأهل	دیپلم	چهارمحل

1. Theoretical sampling

۲. به این ترتیب که محقق، همزمان داده‌هایش را گردآوری، شناسه‌گذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعدی گردآوری و آنها را از کجا پیدا کند تا بدین وسیله نظریه را در هنگام شکل‌گیریش تدوین کند. نظریه در حال تدوین فرایند گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند.

3. Theoretical Saturation

ادامه جدول ۱. مشخصات دموگرافیک مصاحبه‌شوندگان

ردیف	جنسیت	سن	وضعیت تأهل	وضعیت تحصیل	محل سکونت
۱۶	زن	۳۰	متاهل	کارشناسی	کلوده
۱۷	مرد	۴۹	متاهل	بیسواد	کلوده
۱۸	زن	۵۱	متاهل	بیسواد	کلوده
۱۹	مرد	۵۴	متاهل	بیسواد	میرعلمده
۲۰	زن	۴۰	متاهل	بیسواد	چهارمحل
۲۱	مرد	۴۳	متاهل	بیسواد	چهارمحل

منبع: یافته‌های تحقیق

در پژوهشهایی که با روش تحقیق کیفی انجام می‌شود، تعداد دقیق افراد نمونه از قبل مشخص نیست؛ بلکه نمونه‌گیری در میدان تحقیق انجام می‌گیرد و پژوهش زمانی متوقف می‌شود که به‌اشباع نظری برسد. در این پژوهش متناسب با راهبرد تحقیق، نمونه‌گیری نظری و هدفمند انجام شده است. با توجه به ماهیت موضوع و هم‌چنین براساس راهبرد روش نظریه‌مبنایی و هم‌چنین جامعه مورد مطالعه از تمامی روشها و شیوه‌ها و ابزارهای تحقیق کیفی استفاده به‌عمل آمده است؛ اما روش محوری و اصلی گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق و باز بوده است، علاوه بر این، مشاهده‌های مشارکتی و مستقیم پژوهشگران در میدان تحقیق بر غنای تجربی پژوهش افزوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش شناسه‌گذاری داده‌ها در سه سطح باز^۱، محوری^۲ و انتخابی^۳ انجام شده است. در مرحله شناسه‌گذاری باز شناسایی، نامگذاری، توصیف و طبقه‌بندی داده‌ها صورت گرفت و در مرحله شناسه‌گذاری محوری، مفاهیم و مقوله‌هایی که در مرحله شناسه‌گذاری باز شناسایی شده است، در تجزیه و ترکیبی جدید به یکدیگر مرتبط شد. و نهایتاً شناسه‌گذاری انتخابی که تلاش شد تا بتوان از دل داده‌ها الگوی نظری و تحلیلی نگرش و ترجیح جنسی فرزندان از دیدگاه والدین استخراج شود.

شناسه‌گذاری باز: برای دستیابی به نظریه‌ای برآمده از ویژگیهای واقعی نگرش مصاحبه‌شوندگان به ترجیح جنسیتی فرزندان پسر نسبت به جنس مخالف، پژوهشگران این تحقیق

کوشیده‌اند تا با مصاحبه‌های عمیق و ممتد در ساختار درونی ارزشها و نگرشها و تجربه آنها تعمق کنند. ابتدا در مرحله شناسه‌گذاری باز با هدف خرد کردن داده‌ها و مشخص کردن ویژگی و ابعاد آنها، درون هر مصاحبه شناسه‌های زیادی استخراج شد که وقتی داده‌ها، مرتب مورد بازنگری قرار گرفت، شناسه‌های جدید اصلاح، و شناسه‌های نهایی مشخص شد. در مرحله بعد از دل مفاهیم مقولات اصلی به دست آمد و در نهایت از دل همین مقولات نظریه و الگوی تحقیق طراحی شد. در این مرحله ابتدا جملات به عنوان واحد مطالعه انتخاب شد؛ بعد از آن کلمات کلیدی که خلاصه پیام اصلی جملات بود (عبارت) استخراج شد. در این مرحله به همه نکات کلیدی مصاحبه‌ها برچسبهای مفهومی مناسبی داده شد و سپس آنها در یک جدول قرار گرفت. در اینجا به عنوان نمونه شناسه‌گذاری باز یکی از مصاحبه‌ها آورده می‌شود.

جدول ۱. شناسه‌گذاری اولیه

احساس نیاز به هم صحبت، علل درونی، حمایت، کشش‌های درونی، نیاز عاطفی به دختر، طرز تفکر همسر، تربیت سخت دختر، وجود تنش برای دختر، نداشتن دغدغه برای پسر، ظریف بودن دختر، جنس مرد، جنسیت مادر، لطافت زن، مسئله جنسی، زور بازو، قدرت نمایی، سن زیاد، سن باروری، شرایط سنی، سنتی، مسائل اجتماعی، ناامنی جامعه، سنت و مدرنیته، افزایش تحرک اجتماعی، به ارث بردن شغل پدر، نیروی انسانی، متکی بودن به قوای جسمانی، شغل آزاد، تحصیلات، نوع شغل (دامداری، باغداری، کشاورزی)، کسب و کار، کم خرج بودن پسر، مصرف‌کننده بودن دختر، به غارت رفتن اموال، کارآمد بودن پسر، چرتکه، حساب و کتاب عقلانی، ساماندهی به امور در جوانی، عقلانیت، عصای دست، رونق اقتصادی، حمایت‌های دولتی، شرایط مالی، اموال زیاد، بلابای طبیعی، حوادث، انقراض نسل، محدودیتهای حکومتی، بقای نسل، محل زندگی، جنس کم‌خطر، محافظت از دیگر افراد خانواده، آزادیهای پسر در جامعه، عرف جامعه، انتقال نسل به نسل یک دیدگاه، خوشحالی همسر، حفظ ناموس، اعتقادات خرافی، ریشه دینی، ریشه عربی، مسلمان بودن، دینه زن و مرد، ارث زن و مرد، حضانت فرزندان، حق طلاق، شهادت در دادگاه و...

منبع: یافته‌های تحقیق

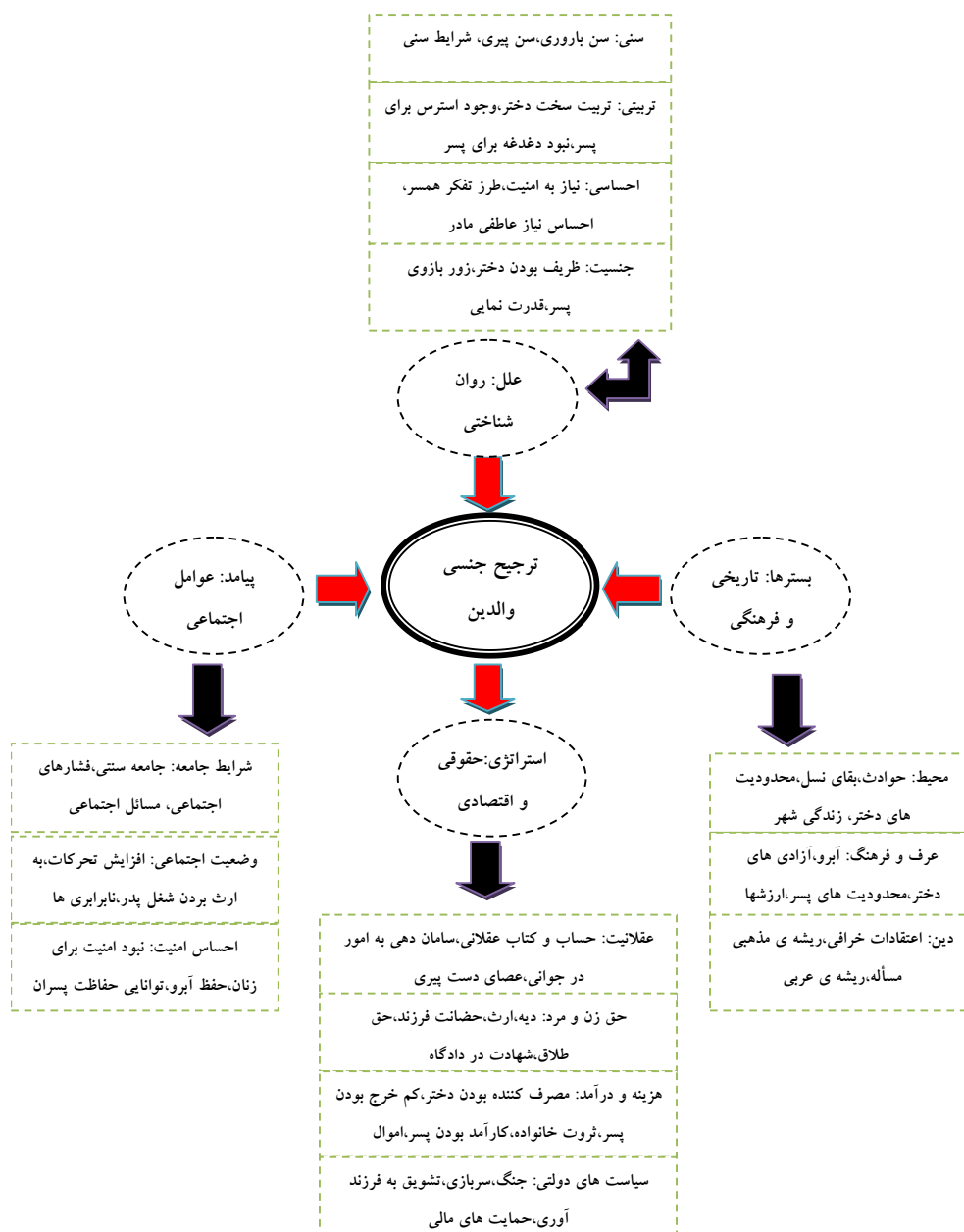
شناسه‌گذاری محوری: در این مرحله بعد از شناسه‌گذاریهای اولیه به علت تعداد فراوان آنها به شناسه‌های ثانویه تبدیل شد که در این روند شناسه‌های مشابه در یک طبقه جای داده، و چند شناسه ثانویه نیز به یک شناسه مفهومی و مقوله‌بندی تبدیل شد. در جدول زیر نتایج شناسه‌گذاری باز ارائه شده است:

جدول ۳. شناسه‌گذاری محوری

مقوله	مقولات	مفاهیم
ترجیح جنسی	بعد روانشناختی	احساس نیاز به هم صحبت - علل درونی - حمایت - کشش های درونی - نیاز عاطفی به دختر - طرز تفکر همسر
	بعد تربیتی و جنسیتی	تربیت سخت دختر - وجود استرس برای دختر - نداشتن دغدغه برای پسر - ظرفیت بودن دختر - جنس مرد - جنسیت مادر - مسئله‌ی جنسی - قدرت نمایی
	بعد سنی	سن بالا - سن باروری - شرایط سنی
	بعد اجتماعی - وضعیت اجتماعی موجود	سنی - مسائل اجتماعی - نامنی جامعه - سنت و مدرنیته - افزایش تحرک اجتماعی - به ارث بردن شغل پدر - نیروی انسانی - متکی بودن به قوای جسمانی
	بعد اقتصادی و عقلانی	شغل آزاد - تحصیلات - نوع شغل (دامداری، باغداری، کشاورزی) - کسب و کار - کم خرج بودن پسر - مصرف کننده بودن دختر - به غارت رفتن اموال - رونق اقتصادی - حمایت های دولتی - شرایط مالی - اموال زیاد - چرتکه - سامان دهی به امور در جوانی - عقلائیت - عصای دست پیری
	شرایط محیط	بلاایای طبیعی - حوادث - انقراض نسل - محدودیت های حکومتی - بقای نسل
	بعد سنتی و نگاه دینی	جنس کم خطر - محافظت از سایر افراد خانواده - آزادی های پسر در جامعه - اعتقادات خرافی - ریشه ی مذهبی - ریشه ی عربی - مسلمان بودن
	بعد تاریخی و فرهنگی	انتقال نسل به نسل یک دیدگاه - خوشحالی همسر - حفظ ناموس
	حقوق برابر	دیه زن و مرد - ارث زن و مرد - حضانت فرزند - حق طلاق - شهادت در دادگاه

منبع: یافته‌های تحقیق

شناسه‌گذاری انتخابی: در این مرحله مقولاتی، ترکیب مفاهیم اولیه ساخته شده در ارتباطی منطقی با یکدیگر به شکل گیری نظریه کمک می‌کند. در این مرحله، مقوله‌ها به صورت شبکه‌ای باهم در ارتباط قرار می‌گیرد و نظریه بتدریج ظهور می‌یابد (نیومن ۲۰۰۶: ۴۲۳). در این تحقیق، مقوله‌های عمده در مرحله نهایی به صورت الگوی ذیل باهم مرتبط شده است. چهار مقوله اصلی به دست آمده از مصاحبه‌ها، که به برتری جنسی که والدین بین فرزندان قائل می‌شوند، عبارت است از: عوامل روانشناختی، عوامل تاریخی و فرهنگی، عوامل اجتماعی و عوامل اقتصادی و حقوقی که نتیجه این رابطه، ارائه آگویی است که در زیر عنوان شده است:



الگوی مفهومی نگرش والدین نسبت به برتری جنسی فرزندان

یافته‌های تحقیق

پژوهش با هدف روشن ساختن ترجیح جنسی که والدین برای فرزندان به کار می‌گیرند در چهار بعد اصلی و یک مقوله محوری جای می‌گیرد که هر کدام به تفصیل و با جزئیات، شرح داده می‌شود:

بعد تاریخی و فرهنگی

مطالعه و شناخت محیط فرهنگی عاملان به‌عنوان بستر شکل‌گیری کنش و بررسی هنجارهای حاکم بر کنشگران، توضیح مناسبی از سازوکار عوامل مؤثر بر رفتار ارائه خواهد کرد (کارتر، ۱۹۹۸: ۲-۲۵۱). عوامل فرهنگی، که پیروی از سنتهای گذشته در جامعه یکی از مهمترین آنهاست به‌صورت کم یا زیاد بین همه جوامع وجود دارد؛ اما به‌دلیل تفاوت‌های حاکم بر جامعه اندکی با تفاوت در همه جا دیده می‌شود (رشیدی، ۱۳۷۹). در گذشته‌ای نزدیک و نه چندان دور در میان خانواده‌های ایرانی، پسرها نورچشمی بودند. فرزند پسر چنان ارزشی داشت که در زایمان نخستین زنان، زاییدن دختر به‌جای پسر را از شومی عروس خانواده می‌دانستند! و عروسشان را بدین دلیل سرزنش و نکوهش می‌کردند. امروزه هم کم و بیش بین برخی از خانواده‌های سنتی ایرانی این نوع سنتها و ارزشهای پوچ و خرافی و دروغین را می‌بینیم که متأسفانه باید گفت ریشه عمیق در سنتهای گذشته و آیین گذشته نیاکان ما دارد؛ حتی این رسوم و آداب خرافی در میان همسایگان ایران با ریشه و گذشته‌ای مشترک نیز با شدت وحدت وحشتناکی همچنان ادامه دارد.

بناچار باید اعتراف کرد ریشه این‌گونه خرافات (در میان ایرانیان و همسایگان) یعنی پسر را بر دختر برتری دادن و احیاناً بیزاری از فرزند دختر به‌آموزه‌هایی از موبدان زرتشتی و کاهنان و مغان آریایی در گذشته مربوط است که این آموزه‌ها را به‌عنوان فرهنگ و باور اجتماعی در میان مردم آن دوران جا انداختند. این نوع آموزه‌ها در افکار مردمان رسوخ کرده و از نیاکان قدیم، سینه به سینه و پشت به پشت به نیاکان جدید انتقال یافته است. باری این‌گونه آموزه‌های نادرست و ناشایست (ننگ از فرزند دختر داشتن) از موبدان و مغان! شباهت بسیاری با تفکرات عرب جاهلی نسبت به دختران داشت! (البته عرب جاهلی شدت عملش بیشتر بود و فرزندان دختر را گاهی زنده‌به‌گور می‌کرد)؛ به‌عنوان مثال در بسیاری از مصاحبه‌ها، مصاحبه‌شونده‌ها اظهار کردند که فرزند پسر به‌دلیل اینکه شهرت پدر را با خود به‌همراه دارد، باعث بقای نسل می‌شود. اگر در اثر بلایای طبیعی یا هر اتفاقی پدری از دار دنیا برود به‌اعتقاد برخی نیاز به‌حضور فرزند پسر برای

محافظت از دیگر افراد خانواده، احساس می‌شود. عرف و فرهنگ در بسیاری از جاهای مصاحبه، نقش خود را درباره این موضوع نشان می‌دهند؛ برای مثال به آزادیهای پسر، که در عرف پسندیده است و آزادیهای دختر، که با بسیاری از محدودیتها در عرف همراه است، اشاره شده است. در جاهای دیگری به نوع نگاه به دختر و حفظ آبرو اشاره شده است. اشاره به ریشه تاریخی این مسئله هم در بسیاری از جاها دیده می‌شود که گفته شده است این مسئله در اعتقادات خرافی و دینی و اقداماتی ریشه دارد که عرب جاهلیت علیه دختر انجام می‌داد.

بعد روانشناختی - تربیتی

عاطفه و علاقه مادر به فرزند، کاملاً طبیعی است و میان هر مادری نسبت فرزندش هرچه باشد وجود دارد. البته، این هم ممکن است که بعضی از عوامل خارجی، این عاطفه را ضعیف کند و یا از بین ببرد. در طول تاریخ بوده‌اند کسانی که فرزندان خود را می‌کشتند یا زنده به گور می‌کردند؛ ولی، اینها انحراف از فطرت است که در بعضی از موقعیت‌های محیطی، اجتماعی یا روانی پیدا می‌شده است؛ اما میل طبیعی و فطری هر مادر و پدری این است که با بچه‌اش مأنوس باشد و او را دوست بدارد. احساسات مادری بیشتر مربوط به دختر و احساسات پدر بیشتر به سمت پسر کشیده می‌شود. والدین نیاز به برقراری امنیت را با وجود فرزند پسر حل شده می‌دانند. مادر نیاز عاطفی خود را هم گاهی در نبود پدر بیشتر با فرزند پسر برطرف می‌کند. در برخی از مصاحبه‌ها به حضور پسر برای امنیت بیشتر و ارضای نیاز عاطفی مادر و پدر اشاره شده است. جنسیت مادر به نوع خاصی در این برتری دادن دخیل است. برخی از مصاحبه‌شوندگان اظهار کردند که تربیت دختر از تربیت پسر بسیار سخت‌تر است؛ زیرا پسر راحت‌تر مستقل، و از خانواده جدا می‌شود و می‌تواند با استفاده از استقلال که دارد برای خود حفظ امنیت کند و با زور بازوی خود، خود را از آب و گل در آورد و از طرفی خانواده دغدغه آن چنانی برای او ندارد در حالی که برای فرزند دختر، تنش بسیار و دغدغه وجود دارد. شرایط سنی والدین هم در این زمینه مؤثر است؛ مثلاً وقتی والدین سنشان زیادتر باشد، ترجیح می‌دهند فرزند پسر داشته باشند تا عصای دست پیری آنها باشد.

بعد اجتماعی

عوامل و زمینه اجتماعی از جمله مواردی است که پیامد اصلی برتری جنسی به‌شمار می‌رود. وضعیت جامعه، که به‌دختر یا پسر مربوط می‌شود، نوع نگاه به‌دختر، تیپ سنتی جامعه که از گذشته حفظ شده است و همچنان در بسیاری از موارد مربوط به این موضوع نمود دارد، باعث شده

است عوامل اجتماعی یکی از عوامل اصلی در حوزه موضوع باشد. بسترهای جامعه و نوع نگاه افراد به جنس دختر و پسر از مسائل اساسی در این مورد است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در بیشتر مصاحبه‌ها، مصاحبه‌شوندگان در برابر سؤالی که به امنیت جامعه مربوط است، که به عنوان یکی از پیامدهای برتری جنسی مدنظر این پژوهش است، پاسخ داده‌اند که در فضای امروزی جامعه، امنیت برای زنان وجود ندارد؛ اما مردان در جامعه براحتی می‌توانند از خود محافظت کنند. در جایی دیگر گفته شده است که حضور زنان در اماکن عمومی در جامعه ما با محدودیت همراه است؛ اما مردان با هر نوع پوشش و هر نوع رفتاری براحتی می‌توانند در جامعه حاضر شوند؛ مثلاً در شب دختران در جامعه ما نمی‌توانند حضور پیدا کنند و یا اگر هم حاضر شوند با برخی محدودیتهایی همراه است. گاهی حتی دختران را مجاب می‌کنند که حتماً به همراه یک پسر (پدر، برادر و یا همسر) در شب در بیرون از خانه حاضر شوند. در بسیاری از مصاحبه‌ها به نابرابریهای جامعه برای دختر و پسر اشاره شده است. در جامعه ما در بسیاری از مشاغل حتی برای استخدام افراد یکی از اصلی‌ترین شرایط مربوط به جنسیت فرد بستگی دارد. جنس زن در بسیاری از این‌گونه موارد مورد تبعیض در جامعه به حساب می‌آید. این‌گونه عوامل اجتماعی موجب شده است که این مقوله جزء اصلی‌ترین مقولات این تحقیق باشد.

بعد حقوقی - اقتصادی

عوامل اقتصادی و حقوقی هم از جمله عواملی که در بیشتر مصاحبه‌ها، مصاحبه‌شوندگان بر آن تأکید کردند. قوانین حکم و شرع و عرف برای زنان و مردان حقوق و وظایفی تعیین کرده که موجب جدا شدن و برتری یک جنس بر دیگری شده است. در قوانین اسلامی به دلیل برخی مسائل، که گفته شده ممنوعیتها و تابوهای دینی بر آنها تأثیر گذاشته است، برخی مسائل هست که به نظر می‌رسد جنس مذکر بسیار آزادتر است و جنس مؤنث محدودیتهای بسیاری دارد؛ به عنوان مثال در مصاحبه‌ها برخی گفته‌اند از آنجا که بیشتر حقوق در جامعه ما به مردان تعلق دارد، بیشتر ترجیحات بر جنس مذکر است. از جمله عواملی که به عنوان مثال در مصاحبه‌ها ذکر شده عبارت است از: در دادگاه‌ها برای شهادت دادن به یک مرد یا دو زن نیاز است؛ معمولاً حق طلاق با جنس مذکر است؛ حضانت فرزندان در صورت طلاق معمولاً با مردان است؛ در تقسیم ارث، فرزندان پسر بیشتر از دختر ارث می‌برد؛ حتی در قانون برای زن دیه کمتری قائل شده‌اند. مجموع این قوانین و حتی گاهی سیاستهای دولتی (حمایتهای مالی، تشویق به فرزندآوری، داشتن سرباز بیشتر برای مواقع ضروری مثل جنگ و...) موجب شده است که ترجیحات والدین و جامعه به سمت

جنس مذکر برود و جنس مؤنث به دلیل محرومیت‌های حقوقی و قانونی و عرفی، کمتر مورد توجه قرار بگیرد.

ترجیح جنسیتی بویژه به نفع فرزند پسر در ایران و بسیاری از کشورهای جهان وجود داشته و دارد. ماری‌بهات و زویر (۲۰۰۳) در تحقیقی در مورد برتری جنسی در کاهش باروری در هند نقش مهمی برای ملاحظات اقتصادی قائل می‌شوند. در جاهایی که زنان از نظر اقتصادی فعال هستند، دختران ارزش بیشتری دارند و از این رو برتری پسر، کاهش می‌یابد. اقتصاد وابسته به کشاورزی، شکل خانواده گسترده، کار خانگی، شرکت تمام اعضای خانواده در تولید ثروت و حفظ این ثروت در خانواده، وجود اولاد ذکور را از نظر اقتصادی ارزشمند ساخته است. در گذشته جریان ثروت از پایین به بالا بود و برخلاف امروز، که فرزندان برای والدین هزینه‌زا هستند، فرزندان و بویژه فرزند پسر به تولید و ماندگاری ثروت در خانواده کمک می‌کرده‌اند. وجود نظام مردسالار نیز تأییدی بود بر ارزش اجتماعی اولاد ذکور. همه این عوامل باعث شکل‌گیری این برتری جنسی شده است. رپتو (۱۹۷۲) ارتباط میان باروری و ترجیح پسران را برای چهار نمونه از داده‌ها در کشورهای کمتر توسعه یافته بررسی کرده است. نتایج در مورد این پیمایش مثبت بوده و این رابطه مثبت به تفاوت‌های هزینه دختران و پسران نسبت داده شده است. (پسران کم هزینه‌ترند و خانواده‌هایی که شانس داشته‌اند تا پسران بیشتری داشته باشند برای داشتن فرزندان بیشتر هم آمادگی دارند.)

بحث و نتیجه‌گیری

رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی یکی از پدیده‌های اجتماعی - فرهنگی است که نگاه به آن، درک و ارزیابی و اجرای هرگونه علل و رفتاری در برابر آن به‌طور اجتناب‌ناپذیری با نگرشهای افراد در زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی گره خورده است (ریاحی، ۱۳۸۵: ۱۸۹). در دهه‌های اخیر در بسیاری از جوامع، تغییرات همه‌جانبه‌ای در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی ایجاد شده و در چنین وضعیتی رصد تغییرات و بررسی وضعیت پدیده‌های اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است. در گذشته‌ای نزدیک و نه چندان دور در میان خانواده‌های ایرانی، پسرها نورچشمی بودند. فرزند پسر چنان ارزشی داشت که در زایمان نخستین زنان، زاییدن دختر به‌جای پسر را از شومی عروس خانواده می‌دانستند! و عروسشان را بدین دلیل سرزنش و نکوهش

می‌کردند. امروزه هم کم‌وبیش بین برخی از خانواده‌های سنتی ایرانی، این نوع سنتها و ارزشهای پوچ و خرافی و دروغین را می‌بینیم که متأسفانه باید گفت ریشه عمیق در قرون گذشته و آیین گذشته نیاکان دارد؛ حتی این رسوم و آداب خرافی در میان همسایگان ایران با ریشه و گذشته‌ای مشترک نیز با شدت و وحشتناکی همچنان ادامه دارد.

طبق سنتی چندین هزار ساله در خانواده‌ها فرزند پسر از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. حفظ نام خانوادگی، نان آور بودن و اصطلاحاً عصای دست پدر و مادر در دوران پیری از مهمترین دلایلی بوده که فرزند پسر را دارای برتری کرده است. در حال حاضر با تغییرات اجتماعی و اقتصادی جامعه و بویژه شهرهای بزرگ، شاهد کم‌رنگ شدن و حتی بیرنگ شدن این سنتها هستیم. پسر، دیگر شغل پدر را لزوماً ادامه نمی‌دهد و به‌لحاظ شغلی و اقتصادی تا حدود زیادی از خانواده مستقل شده است. مسافتهای زیاد میان محل زندگی والدین و فرزندان و گرفتاریهای روزمره باعث دوری و کم شدن ارتباطات میان اعضای خانواده پدر و پسر، و همه اینها باعث شده است بیشتر والدین ترجیح بدهند از هر دو جنس فرزندی داشته باشند و در کل هم تأکید خاصی روی جنس فرزند خود ندارند؛ اما به‌هر حال همچنان شاهد وجود سنتهایی از این دست در میان برخی خانواده‌ها بویژه در میان خانواده‌های روستایی هستیم. در واقع می‌توان گفت برتری جنسی بویژه به‌نفع فرزندان پسر در ایران و بسیاری از کشورهای جهان وجود داشته و دارد. آرنولد (۱۹۸۵) با به‌کارگیری مقیاس ابداعی خویش برای سنجش ترجیحات جنسی، داده‌های طرح پیمایش ملی باروری کره را مورد بررسی قرار داد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ترجیح شدیدی نسبت به پسران بویژه در نوبت دوم باروری وجود دارد. در ایران نیز اقتصاد وابسته به کشاورزی، شکل خانواده گسترده، کار خانگی، شرکت تمام اعضای خانواده در تولید ثروت و حفظ این ثروت در خانواده، وجود فرزند پسر را از نظر اقتصادی ارزشمند می‌ساخته است. در گذشته جریان ثروت از پایین به بالا بود و برخلاف امروز، که فرزندان برای والدین هزینه‌زا هستند، فرزندان و بویژه فرزند پسر به‌تولید و ماندگاری ثروت در خانواده کمک می‌کرده است. آرنولد و همکاران (۱۹۹۸) در مطالعه تطبیقی خود در شش کشور جهان نشان دادند که در غالب کشورها، فرزندان پسر به‌دلیل نقش استمرار دودمان، کمک اقتصادی و نیز تأمینی که برای والدین فراهم می‌کنند از فرزندان دختر مطلوبتر هستند.

وجود نظام مردسالار نیز تأییدی بود بر ارزش اجتماعی فرزندان پسر. همه این عوامل و مقوله‌هایی که در صفحات پیشین به‌عنوان مقولات اصلی پارادایم این پژوهش (که شامل چهار

مقوله اصلی، روانشناختی، اجتماعی، تاریخی - فرهنگی و حقوقی - اقتصادی است) به آنها اشاره شد، باعث شکل‌گیری این برتری جنسی بوده است. لارسین (۱۹۹۸) مطالعه‌ای را در کره جنوبی تحت عنوان باروری و برتری جنسی پسر انجام داده است. نتایج نشان می‌دهد که برتری جنسی فرزند پسر مانع رسیدن به سطح پایین باروری نیست. البته در مراحل اولیه باروری هم برتری جنسی پسر وجود دارد.

آمارها و حتی مشاهد‌های عینی ما می‌گوید تا حد زیادی این برتری جنسی کمرنگ، و حتی در برخی مناطق وارونه شده است. ابرمایر (۱۹۹۹) بر مبنای تحلیل داده‌های پیمایش بهداشت جمعیتی سال ۱۹۸۷ (DHS) و بررسی نگرشهای باروری و رفتار کنترل باروری زنان مراکشی به این نتیجه دست یافت که تنها بخش محدودی از زنان مراکشی فرزند پسر بیشتری نسبت به دختران می‌خواهند. تغییر شکل خانواده از گسترده به هسته‌ای، جدایی کار از خانه و جریان ثروت از والدین به سوی فرزندان، دیگر آن الزامات اقتصادی "پسر داشتن" را بی‌معنی ساخته است. اشتباه است اگر فکر کنیم باورهای فرهنگی و اجتماعی به این زودبیا از فکر و ذهن جمعی جامعه دست برمی‌دارد. کمی که از تهران و خانواده‌های در حال مدرن آن دورتر برویم، هنوز خانواده‌هایی هستند که داشتن اولاد ذکور را ارزش تلقی می‌کنند و با داشتن چند دختر، فقط و فقط به دلیل تولد فرزند پسر، باز هم به فرزندآوری اقدام می‌کنند؛ خانواده‌هایی که هنوز استقلال کامل را به دست نیاورده، و تحت سیطره سنت‌های دست و پاگیر مانده‌اند و زنانی که هنوز به دلیل داشتن چند فرزند دختر و نداشتن پسر، مورد تحقیر و سرزنش دیگران قرار می‌گیرند و انگ دخترزا بودن بر پیشانی دارند.

مطالعات نشان می‌دهد که مهمترین دلایل برتری جنسی فرزند پسر در خانواده‌های ایرانی، حفظ نام خانوادگی، نان‌آور بودن است که فرزند پسر را دارای برتری کرده است. عرف و فرهنگ در بسیاری از جاهای مصاحبه نقش خود را در این موضوع نشان می‌دهد؛ برای مثال به آزادیهای پسر، که در عرف پسندیده است و آزادیهای دختر که با بسیاری از محدودیتها در عرف همراه است، اشاره شده است. در جاهای دیگری به نوع نگاه به دختر و حفظ آبرو اشاره شده است. اشاره به ریشه تاریخی این مسئله هم در بسیاری از جاها دیده شده که گفته شده است این مسئله در اعتقادات خرافی و دینی و اقداماتی ریشه دارد که عرب جاهلیت علیه دختر انجام می‌داد. برخی از مصاحبه‌شوندگان اظهار کردند که تربیت دختر از تربیت پسر بسیار سخت‌تر است؛ زیرا پسر راحت‌تر مستقل، و از خانواده جدا می‌شود و می‌تواند با استفاده از استقلالی که دارد برای خود

حفظ امنیت کند و با زور بازوی خود، خود را از آب و گل در آورد و از طرفی خانواده دغدغه آن چنانی برای او ندارند در حالی که برای فرزند دختر تنش بسیار و دغدغه وجود دارد. وضعیت سنی والدین هم در این زمینه مؤثر است؛ مثلاً وقتی والدین سنشان زیادتر باشد، ترجیح می‌دهند فرزند پسر داشته باشند تا عصای دست پیری آنها باشد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در بیشتر مصاحبه‌ها، مصاحبه‌شوندگان در برابر سؤالی که به امنیت جامعه مربوط است به‌عنوان یکی از پیامدهای ترجیح جنسی مدنظر این پژوهش، پاسخ داده‌اند که در فضای امروز جامعه، امنیت برای زنان نیست و مردان در جامعه براحتی می‌توانند از خود محافظت کنند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اصلی‌ترین و محوری‌ترین مقوله پژوهش، اقتصادی است؛ چون در مصاحبه‌ها، مصاحبه‌شونده‌ها بیشتر روی این مسئله تأکید می‌کردند و آن را مهمترین مسئله می‌دانستند. در بیشتر مصاحبه‌ها گفته شده است که اقتصاد در نظام خانواده از پایه‌های اصلی زندگی است. افراد در گذشته، که خانواده‌ها به‌سبک گسترده بود، فرزندان پسر زیادی را نیاز داشتند تا در کار کشاورزی و دامپروری و... به‌پدر خانواده کمک کنند. فرزندان دختر در گذشته در خانه بودند و به‌مادران در کارهای خانه کمک می‌کردند؛ اما چون کار آنها در خانه سودآور نبود به‌همین دلیل بی‌اهمیت تلقی می‌شد و بنابراین فرزندان پسر به‌لحاظ اهمیت کاری که داشتند، برتری بیشتری نسبت به‌جنس مخالف داشتند. دختران، بیشتر مصرف‌کننده بوده و خرج آنها برعهده برادران و پدران بوده است. پسران به‌کارها در جوانی ساماندهی می‌کردند و در پیری عصای دست پدر بوده‌اند. به‌نوعی پسران منبع درآمد و دختران صرفاً مصرف‌کننده بوده‌اند. همین کارآمدی پسران یکی از علل اصلی این برتری به‌شمار می‌رود. پسر نام پدر را زنده نگه می‌دارد و در نبود یا فوت پدر پسر خرج خانواده را می‌دهد و کفیل خانواده می‌شود.

با توجه به یافته‌های این تحقیق به‌نظر می‌رسد که در جامعه مورد مطالعه، برتری جنسی فرزندان از نگاه والدین در عوامل مختلفی ریشه دارد. عوامل تاریخی و فرهنگی از جمله عواملی است که در سنت جامعه ایران ریشه دارد و نسل‌به‌نسل در حال منتقل شدن است. در جامعه امروزی ایران همچنان شاهد تأثیر این‌گونه عوامل هرچند به‌صورت کم‌رنگ هستیم. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی در نگاه والدین به‌برتری جنس فرزندان تأثیر بسزایی دارد. بیشتر مصاحبه‌شوندگان نوعی برتری اجتماعی بیشتری برای پسر قائل هستند به‌این دلیل که در جامعه ایران جنس پسر آزادی عمل و دردسر کمتری برایشان دارد. عوامل ناموسی، نگاه جامعه به‌جنس

دختر و هم‌چنین موقعیت اجتماعی و خطرهایی که در جامعه برای جنس دختر وجود دارد، موجب می‌شود که جنس پسر را بیشتر برتری بدهند. هرچند در جامعه این عوامل بمراتب کمتر شده است. بویژه در کلانشهرها، نمی‌توان از تأثیرات آن هم غافل شد. به‌لحاظ عوامل اقتصادی و حقوقی نیز یافته‌ها نشان می‌دهند که امنیت و جایگاه شغلی بمراتب برای پسران از جنس مخالف بهتر است. هم‌چنین آزادی و حقوق بیشتر و موانع کمتری برای جنس پسر در جامعه وجود دارد. علاوه بر آن دولت هم در تدوین سیاست‌های خود سهم بیشتری را به جنس پسر می‌دهد تا جنس دختر. با توجه به یافته‌های مورد مطالعه به نظر می‌رسد که برتری جنسی در جامعه مورد مطالعه هرچند کم‌رنگ وجود دارد و با توجه به همین یافته‌ها می‌توان گفت که ریشه اصلی برتری جنسیتی در جامعه مورد مطالعه، این عوامل باشد: ۱. سنتی بودن جامعه ایران و نگاه سنتی به این مسئله ۲. وجود موانع اجتماعی و فضای تنگ در جامعه نسبت به این مسئله ۳. اعتقادات و باورهای مردم به تداوم نسل از طریق جنس پسر ۴. نگاه اقتصادی و آینده‌نگری والدین. با توجه به این موارد به نظر می‌رسد که جامعه مورد مطالعه ما جنس پسر را نسبت به جنس دختر بنا به دلایل مطرح شده بیشتر ترجیح می‌دهد. با توجه به بررسیها و نتایج تحلیل یافته‌های تحقیق، برتری جنسی در جامعه و در میان خانواده‌های مورد بررسی بمراتب کم‌رنگتر از گذشته شده است؛ اما با توجه به اوضاع کنونی جامعه، همچنان یکی از دغدغه‌های اصلی خانواده‌ها است.

منابع

- ادیبی‌سده، مهدی؛ ارجمندسیاهپوش، اسحق؛ درویش‌زاده، زهرا (۱۳۹۰)، بررسی میزان افزایش باروری و عوامل مؤثر بر آن در میان طایفه کرد ساکن اندیمشک، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ش ۱: ۸۱-۹۸.
- افراخته، حسن (۱۳۷۵)، تفاوت اهداف باروری بین زن و مرد، عوامل و نتایج آن: مطالعات موردی سیستان و بلوچستان، *مجله تحقیقات جغرافیایی*، ش ۴۱: ۱۱۶-۱۲۳.
- اکابران، آرش؛ محمودی، محمود؛ زراعتی، حجت؛ مجلسی، فرشته (۱۳۸۷)، بررسی ارتباط عوامل اجتماعی - اقتصادی و دموگرافیک با باروری، *مجله علوم پزشکی دانشگاه سبزوار*، دوره ۱۵، ش ۱: ۴۰-۴۵.
- حاتمی‌ورزنده، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث؛ برجعلی، احمد (۱۳۹۵)، بررسی مقایسه‌ای ازدواجهای پایدار رضایتمند و ازدواجهای در حال جدایی (مطالعه کیفی)، *فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان در خانواده*، س سوم، ش ۳۵: ۷-۳۹.
- رازقی، نادر؛ اسلامی، اصلی (۱۳۹۴)، مطالعه کیفی علتهای تعارض در خانواده، *فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان در خانواده*، س سوم، ش ۳۲: ۷۲-۵۳.

- رشیدی، ابراهیم (۱۳۷۹)، بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی مؤثر بر باروری در شهر دهقانان (استان اصفهان)، **فصلنامه جمعیت**، ش ۳۳ - ۳۴.
- ریاحی، محمداسماعیل (۱۳۸۵)، عوامل اجتماعی - خانوادگی مؤثر بر نگرش جنسیتی جوانان استان مازندران، **فصلنامه علمی - فصلنامه رفاه اجتماعی**، س ششم، ش ۲۵: ۱۶۹-۱۹۱.
- زارع‌شاه‌آبادی، اکبر؛ عزیزیان‌فارسانی، فاطمه (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر ترجیح جنسی در میان زنان شهر اصفهان، **نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران**، دوره ۶، ش ۱۱: ۵ - ۳۱.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال؛ مک‌دونالد، پیتر؛ حسینی‌چاوشی، میمنت؛ کاوه‌فیروز، زینب (۱۳۸۱)، بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد با استفاده از روش کیفی، **نامه علوم اجتماعی**، ش ۲۰: ۱۶۹ - ۲۰۳.
- عنایت، حلیمه؛ مختاری، مریم (۱۳۸۸)، نظریه مبنایی جامعه‌پذیری دوران کودکی و تصور بدنی زنان: بررسی زنان تحت عمل جراحی زیبایی بینی در شهر شیراز، **مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان**، س ۷، ش ۱: ۷ - ۳۰.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷)، آینده‌اندیشی درباره کیفیت آموزش عالی ایران؛ الگوی برآمده از نظریه مبنایی (GT)، **فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**، ش ۵: ۶۷ - ۹۵.
- فروتن، یعقوب؛ سعیدی‌مدنی، سیدمحسن؛ عسگری‌ندوشن، عباس؛ اشکاران، ربابه (۱۳۹۵)، الگوها و تعیین‌کننده‌های ترجیح جنسیتی در شهرستان نکا استان مازندران، **نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران**، دوره ۹، ش ۱۷: ۱۷۱ - ۱۹۷.
- محمودیان، حسین؛ محمودیانی، سراج‌الدین (۱۳۹۳)، مطالعه تطبیقی نگرش مردان و زنان به تعداد فرزندان دالخواه: مطالعه موردی افراد در شرف ازدواج مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی منتخب شهر کرمانشاه، **مجله مطالعات راهبردی زنان**، دوره ۱۶، ش ۶۳۲: ۹۷ - ۱۲۴.
- مدیری، فاطمه؛ رحیمی، علی (۱۳۹۵)، ترجیح جنسی و نقش نگرش‌های جنسیتی در شکل‌گیری آن، **نامه انجمن جمعیت‌شناسی**، س یازدهم، ش ۲۲: ۹ - ۴۱.
- منصوریان، محمدکریم؛ خوشنویس، اعظم (۱۳۸۵)، ترجیحات جنسی و گرایش زنان همسردار به رفتار باروری: مطالعه موردی شهر تهران، **مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز**، دوره ۴۷، ش ۲: ۱۲۹ - ۱۴۶.
- نقدی، اسداله؛ زارع، صادق (۱۳۹۲)، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر باروری زنان حاشیه‌نشین، **فصلنامه زن و جامعه**، دوره ۴، ش ۲: ۳۱ - ۵۴.
- وثوقی، منصور؛ دائمی، اکرم (۱۳۸۴)، عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر نگرش والدین نسبت به روابط میان نوجوان دختر و پسر در شهر تهران، **نامه انسان‌شناسی**، س چهارم، ش ۷: ۱۶۱ - ۱۸۸.

Arnold, F. (1985). Measuring the effect of sex preference on fertility: the case of Korea. *Demography*, 22(2), 280-288.

Arnold, F. Choe, M.K. & Roy, T.K. (1998). Son preference, the family- building process and child mortality in India. *Population studies*, 52(3), 301- 315.

- Callan, V. J., & Kee, P. K. (1981). Sons or daughters? Cross-cultural comparisons of the sex preferences of Australian, Greek, Italian, Malay, Chinese and Indian parents in Australia and Malaysia. *Population and Environment*, 4(2), 97-108.
- Carter, A. T. (1998). 11 Cultural Models and Demographic Behaviour. The methods and uses of anthropological demography, 246-267.
- Chi, Z., Dong, Z. X., Lei, W. X., Jun, Z. W., Lu, L., & Hesketh, T. (2013). Changing gender preference in China today: implications for the sex ratio. *Indian Journal of Gender Studies*, 20(1), 51-68.
- Fuse, K. (2010). Variations in attitudinal gender preferences for children across 50 less-developed countries. *Demographic Research*, 23, 1031-1048.
- Fuse, K. (2013). Daughter preference in Japan: A reflection of gender role attitudes?. *Demographic Research*, 28, 1021-1052.
- Hank, K., & Kohler, H. P. (2002). Gender preferences for children revisited: new evidence from Germany. at: ideas.repec.org/p/dem/wpaper/wp-2002-017.html (accessed 6 October).
- Larsen, U., Chung, W., & Gupta, M. D. (1998). Fertility and son preference in Korea. *Population Studies*, 52(3), 317-325.
- Lin, T. C., & Adserà, A. (2013). Son preference and children's housework: the case of India. *Population research and policy review*, 32(4), 553-584.
- Maribhat, P.N. And A.Y. Francizavier . (2003) Fertility decline and gender bias in northern. Michalitsianos, N.(2014). Resiliency: a resorce for promoting marriage satisfaction. M.A. dissertation in Marriage & Family Therapy. Kean University.
- Neuman, W. L. (1997). *Social research methods: qualitative and quantitative approaches*. Allyn & Bacon. Needham Heights, USA.
- Obermeyer, C. M. (1999). 12 Fairness and Fertility: The Meaning of Son Preference in Morocco. *Dynamics of values in fertility change*, 275.
- Park, C. B., & Cho, N. H. (1995). Consequences of son preference in a low-fertility society: imbalance of the sex ratio at birth in Korea. *Population and development review*, 59-84.
- Rahman, M., & DaVanzo, J. (1993). Gender preference and birth spacing in Matlab, Bangladesh. *Demography*, 30(3), 315-332.
- Repetto, R. (1972). Son preference and fertility behavior in developing countries. *Studies in Family Planning*, 3(4), 70-76.
- Stash, S. (1996). Ideal-family-size and sex-composition preferences among wives and husbands in Nepal. *Studies in Family Planning*, 27(2), 107-119.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research* (Vol. 15). Newbury Park, CA: Sage.
- Wang, M., Sander, B., Lund-Andersen, H., & Larsen, M. (1999). Detection of shallow detachments in central serous chorioretinopathy. *Acta Ophthalmologica Scandinavica*, 77(4), 402-405.
- Zick, C. D., & Xiang, N. (1994). Assessing the correlates of desired family size in Shaanxi, China. *Social biology*, 41(3-4), 150-167.